

دانشگاه ملی

پایان نامه

برای اخذ درجه فوق لیسانس مشاوران اداری

موضوع: واحدهای کسب و صنعت

استاد راهنما: جناب آقای دکتر منوچهر فرهنگ

تهیه و تنظیم: حسین هوشنگ نژاد

سال تحصیل: ۱۳۴۱-۱۳۴۲

۱۷۰۹

این رساله بررسی دقیق از نظر نگارش و شیوه
حاصل از ایجاد واحد کتب و مستندات
در آن در صورت نیاز اعطا میگردد.

۱۳۵۱/۴/۹
دکتر محمد...

مقدمتاً لازم میدانم از راهنمایی بی دریغ و پربارزش استاد

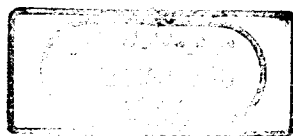
گرامی جناب آقای دکتر منوچهر فرهنگ سپاسگذاری نموده

و از اینکه ایشان با تمام گرفتاریهایی که داشته اند قبول زحمت

فرموده و اینجانب را در تهیه و تنظیم این پایان نامه ارشاد

نموده اند صمیمانه سپاس گفته و سلامتی و به شرف ایشان را در

خدمت به کشور و هم مهربان عزیزان خود اوند مسئلت دارم .



۱۷۰۹

فصل اول تحولات کشاورزی ایران

۶	کشاورزی ایران قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی
۱۳	اصلاحات ارضی و اثرات اقتصادی و اجتماعی آن
۱۹	اصلاحات ارضی در جهان
۲۴	اصلاحات ارضی در ایران
۳۰	شرکتهای سهامی زراعی
۴۱	توسعه امور تعاونی در کشاورزی ایران
۵۰	ملکرد برنامه سوم کشاورزی

فصل دوم مسئله آب در ایران

۶۳	نقش آب در امور کشاورزی
۶۹	منابع و تأسیسات آبیاری در ایران
۷۸	قانون ملی شدن آب
۸۹	ملکرد آب در برنامه سوم

فصل سوم - واحدهای کشت و صنعت در ایران

۹۶	واحد مناسب برای تولید کشاورزی
۱۱۳	قانون تأسیس شرکتهای بهره برداری از اراضی زیرسدها
۱۲۰	قراردادهای نمونه
۱۳۶	رابطه قانون اصلاحات ارضی و قانون کشت و صنعت
۱۴۲	نتیجه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه :

بعد از جنگ جهانی دوم و توسعه وسائل ارتباطی جمعی و نقل و انتقال
سرمایان مردم جهان بوضع یکدیگر آشنائی بیشتری حاصل نمودند و در این میان
ملتهای عقب افتاده بوضع دشوار زندگی خود آگاهی یافتند و نفوذ عقاید و افکار
مختلف و تغییر و تبدیلی سنتهای اجتماعی موجب برگزینی شدیدی در جوامع بشری
خصوصاً در کشورهای عقب افتاده گردید و ولتها و مسئولین امر بر آن داشت
تا تدابیر و سیاست مختلف و متنوعی که هدف کلی آنها بهبود و پیشرفت جوامع
و تأمین رشد و نمو اقتصادی و رفاه عامه بوده است برگزیده و مرحله اجرا و عمل
در آورند. عده ای تصور نمودند که تنها راه حل پیشرفت اقتصادی توسعه صنایع
بوده و نقش کشاورزی را نادیده انگاشته اند و در حالیکه با تجزیه و تحلیل کافی
از طرف اقتصاددانان و علاقمندان به امورات اقتصادی این موضوع کاملاً واضح
و آشکار است که کشاورزی و صنعت در ورکن اساسی پیشرفت و توسعه اقتصادی است
و اصولاً توسعه اقتصادی بدون پیشرفت متعادل و متوازن این دو ورکن مهم
اقتصادی امکان پذیر نیست.

با افزایش تولیدات کشاورزی میتوان از یک اقتصاد سنتی دارای بنیادهای
کهن و ابتدائی به اقتصاد نوین نائل آمد. باید توجه داشت که توسعه کشاورزی
هدف نیست بلکه وسیله رشد اقتصادی و بروز و ظهور فعالیتهای صنعتی و بانکی

است ، امروزه تجارب حاصله نشان میدهند دیگر کشاورزی بعنوان يك بخش مستقل از صنعت شناخته نمیشود بلکه صنعت چنان در دل کشاورزی راه یافته که همه مراحل آنرا از آغاز تا انجام بصورت يك سلسله فعل و انفعالات صنعتی در آورده است . آب بوسیله تلحه های نیرومند برقی از قعر زمین بیرون آورده شده و در لوله های پیچ و پیچ و طول جریان یافته و با فشار کم بصورت باران درآمده و زمین کشت شده را آبیاری میکند . زمین نیز بوسیله تراکتور شخم خورده و با کود شیمیایی تقویت گردیده و با استفاده از مواد شیمیایی دفع آفات گشته و در مواقع برداشت محصول نیز کمباین و ماشین آلات کشاورزی مختلف بیاری کشاورزی آمده و محصول را در میزند و با کامیونها یا بازاریا به انبارها و سیلوها حمل میگردد .

در دامداری نیز صنعت چنان رسوخ یافته که میتوان گفت دامپروری شعبه ای از شعبات صنعت است فی المثل در مرداری با ماشینهای الکتریکی در هر یارتی در مدت ۲۱ روز تعداد ۵۰ دانه تخم مرغ را به جوجه تبدیل میکنند و سپس این جوجه ها در ظرف مدت ۸ روز به مرغهای بوزن متوسط ۱/۴ کیلو تبدیل گردیده و بلافاصله به کشتارگاه تحویل و استفاده از ماشین ذبح شده و پرکنده و تمیز نموده به بازار عرضه میگردد و با استفاده از یخچالهای وسیع مرغها انبار شده و در مواقع لزوم به بازار عرضه میگردد همچنین در مسئله دامپروری و تربیت گاو و گوسفند و دوشیدن شیر و ارسال آن به کارخانه های شیرتعمام بوسیله وسایل و ادوات ماشینی کارها با سهولت و سرعت انجام یافته و میزان بازدهی

بمقدار قابل ملاحظه ای افزایش یافته است و بطور خلاصه کشاورزی از حالت سنتی خود خارج و مسوی تکنیک جدید روی آورده و از کاشت تا برداشت همسته بندی محصولات و غیره بوسیله ماشینهای صنعتی انجام میگیرد .

کمبود مواد غذایی در جهان امروز خصوصاً در کشورهای عقب افتاده موجب نگرانی شدیدی بوده و با افزایش جمعیت موضوعی است که توجه سازمان ملل را بخود جلب و سازمان خواربار و کشاورزی جهانی و سایر موسسات در کشورهای مختلف در مقام تحقیق و چاره جویی برای تهیه آذوقه بطرق مختلف برآمده اند تا جایی که فقط آن یک دستگاه اقتصاد کشاورزی بقدر کافی مولد برخی از کشورهای آسیا راه قطعی تهدید میکند و در آمریکای لاتین عدم توجه به امور کشاورزی موجب توقف و رکود رشد اقتصادی در آمریکای لاتین گردیده است کشاورزی منبع تولید مواد اولیه صنایع است و یک کشاورزی مترقی قادر است مواد اولیه مورد نیاز صنایع را تأمین کند . بعلاوه برای سرمایه گذاری در امور عمرانی و تولیدی احتیاج به استفاده از پس اندازها میباشد و با توجه باینکه روستا نشینان ایران حدود ۶۱٪ جمعیت کل کشور را تشکیل میدهند و چنانچه درآمد آنان طوری باشد که بتوانند سالانه مقداری از درآمد خود را پس انداز نمایند منبع بزرگی برای سرمایه گذاری خواهد بود و میباید بدینگونه کشور را از استفاده وامها و کمکهای خارجی که بعضاً تعهداتی را همراه دارد بی نیاز میسازد و در نتیجه اهمیت این بخش در تأمین منابع مالی برنامه های رشد اقتصادی بخوبی

هبدا میگرد . افزایش قوه خرید و بهبود وضع معیشت روستائیان موجب افزایش
 تقاضا شده و بازار خوبی برای جذب محصولات صنعتی بوده و افزایش تقاضا موجب
 رشد اقتصادی رافراهم کرده و برای تقویت صنایع نهنیاد ازهر حیث ضروری است
 یکی از موانع پیشرفت کشورهای عقب افتاده و وابستگی شدیده مردم آن
 به سنتها و مشکلات و موانع اجتماعی و بهره ای قیود و محدودیتهای دیگر است و
 سازمان ملل متحد در یکی از نشریات خود اظهار عقیده کرده است که تمرکز تمام
 قدرت اجتماعی در دست بعضی از گروهها و مخالفت آنها با بسط و توسعه اقتصادی
 مشکل بزرگی در راه از میان بردن پدیده عقب افتادگی است و کمکیهای خارجی
 به این قبیل کشورها در حقیقت باعث تقویت این گروه گردیده و نتیجه بدست آمده
 عکس آنچه بود که انتظار میرفته است و این گروه در صورتی با بسط و توسعه
 اقتصادی و اجتماعی همراه و موافقند که این امتیازات که سالهاست کسب کرده اند
 از میان نرود و در وضع موجود آنها تغییر حاصل نشود و مخالفت هیئتهای حاکمه
 اکثر کشورهای توسعه نیافته با اصلاحات ارضی از همین جانشی میشود حال آنکه
 اصلاحات ارضی بدون شک یکی از اصول اصلی سایر تغییرات و تحولات اجتماعی
 است زیرا تحقق و انجام اصلاحات ارضی باعث افزایش قوه خرید و سطح زندگی
 کشاورزان از طریق بهبود کمی و کیفی محصول خواهد شد خوشبختانه در کشور ما
 با انجام اصلاحات ارضی این مانع بزرگ پیشرفت اقتصادی از بین رفته و سیستم
 ارباب و رعیتی بزرگ مالکی جای خود را به کشاورزان دارای زمین و آب داد و ماست

با وجود مزایای غیر قابل انکار تقسیم اراضی و لزوم آن باید دانست که انجام این امر
 مضرات و خدایاتی نیز به دنبال دارد. اگر تقسیم اراضی به کوچک شدن بیش از حد
 املاک منتهی شود بکاربردن روشهای کشت و زرع جدید و استفاده صحیح از
 ماشین آلات کشاورزی را عملاً غیر ممکن میسازد. این امر مهم مورد توجه مسئولین
 امر بوده و با ایجاد شرکتهای سهامی زراعی و توسعه و تقویت شرکتهای تعاونی
 و تقویت بنیان مالی کشاورزان و جلوگیری از تقسیم و خورد شدن اراضی کشاورزی پیشبینی
 لازم انجام گردیده است. در نتیجه این پایان نامه ابتدا شمه ای از تحولات
 کشاورزی ایران و خصوصاً اصلاحات ارضی و شرکتهای سهامی و شرکتهای تعاونی
 بحث شده سپس به نقش آب در کشاورزی که در واقع بعد از زمین بزرگترین عامل
 کشاورزی است سخنی بمیان آمده و در قسمت آخر واحدهای کشت و صنعت که
 پدیده جدیدی است در امر توسعه کشاورزی ایران و ارتباطی که قانون کشت
 و صنعت با قانون اصلاحات ارضی دارد تا آنجا که برای نویسنده امکان داشته
 معالی عنوان گردیده امید است که مورد قبول افتد.

فصل اول - تحولات کشاورزی ایران

کشاورزی ایران قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ایران در جنوب فرعی آسیا قرار داشته و سرزمینی است کوهستانی و مساحت آن - / ۰۰۰ ۸۰ ۶۴ کیلومتر مربع و از کشورهای خاور میانه محسوب میگردد و قسمت بیشتری از کشور دارای آب و هوای گرم و خشک صحرائی و نیمه صحرائی است و قسمت شمال که مجاور با بحر خزا است دارای آب و هوای معتدل بود و میزان بارندگی آن تا - / ۰۰ ۶۰۰ میلیمتر میرسد ولی نواحی مرکزی و جنوب و جنوب شرقی دارای نقاط خشک و کم آب بوده و دارای سرزمینهای بی آب و طوف است و بطور کلی هر چه از شمال به جنوب و از مغرب به مشرق پیش میرویم رطوبت هوا کمتر و گرمای هوا افزایش مییابد و در جنوب ایران بحر عمان و خلیج فارس قرار دارد ولی میزان رطوبت ندارند گیاهی سرزمینهای کرانه درهای خزر قابل قیاس نبوده و مستعد کشاورزی نمیشد.

کشاورزی یکی از مقدماتی ترین و قدیمی ترین فعالیتهای بشری برای بهبود وضع زندگی و تأمین معاشی خود بوده و ایرانیان نیز که نسلهای کهن جهان میباشند پس از آنکه از ناحیه شمال باین سرزمین راه یافتند آنرا جهت امور کشاورزی مناسب تشخیص داده و بر اساس اصول ابتدائی اشتراکی به کشت و زرع در اراضی قابل کشت پرداختند و چون این اجتماع برآکنده پیوسته از جانب عوامل خارجی مورد تهاجم و تعرض بود و لذا شرایط زندگی آنها را وادار به ادامه زندگی در جوار یکدیگر نمود و این مراکز تجمع انسانی اساس تشکیل واحد روستائی

راه‌وجود آورد بتدریج پس از گذشت زمان زندگی برای آنان تاریخ و فرهنگ و عرف و عادات مخصوصی را ترتیب داد و آنها را بسوی تحولات جدید رهنمون گردید و بر اثر افزایش جمعیت و افزون شدن احتیاجات زمینهای بیشتری را تحت سلطه و اقتدار خود قرار دادند تا بالاخره یک نوع اریستوکراسی یا حکومت اشرافی بوجود آمد که در زمان هخامنشیان پس از آن نیز در اوضاع و احوال کشور نفوذ ریشه داری را بنیان نهاد .

در دوره اشکانیان اصول خان خانی یا طوک الطوائفی بمنتهی درجه تکامل خود رسید و پشیمانان اصلی پادشاهان این سلسله فتوح الهی و مالکین بزرگ که در ایالات حکومت مینمودند قرار داشتند و هقانان و کشاورزان و مهربانان و رعایای سابق چه در این دوره و چه در زمان ساسانیان در طبقه بندی اجتماعی جایی نداشتند بلکه بردگانی بودند که علاوه بر کار کشاورزی و خدمات سرسازی در کارهای مشکل دیگر نیز از آنها بهره برداری میشد و بیگاری جزئی از تکالیف آنها بود . بعد از اسلام و در زمان ساسانیان با اینکه وضع کشاورزی ایران تا حدودی نسبت به دوران قبل پیشرفت داشت مگر اما مالکان منشاء قدرت محسوب میشدند .

باید توجه داشت که در دوره سلجوقیان هم در اصول و پایه های اجتماعی روستاهای ایران هیچگونه تحول و تغییری پدید نیامد و لشکرکشیهای متناوب و سپاهیان ازدهات و وجود لشکریان در روستاها زندگی را بر این طبقه تلخی

وناگوار میساخت .

حمله مغولها با یران فاجعه بزرگی بود که منجر به ویرانی شهرها و هات و قتل و غارت گردید مضافاً اینکه تاراج محصولات کشاورزی و آتش افکندن به خرمن هانیز جزئی از کارهای ننگین این قوم وحشی بود . در این دوره علاوه بر اینک ——— من و لها فرآورده های کشاورزی را حق خود میدانستند بتدریج پس از استقرار صاحب زمینهای زیادی شدند . عمال حکومت هم انگل روستائیان بودند و علاوه بر مالیاتهایی که از آنها میگرفتند این طبقه محروم میبایست لوازم و احتیاجات آنها را نیز تأمین نمایند . مطالعات نشان میدهد که در این دوره بتدریج سیستم بزرگ مالکی بطرف رشد و توسعه بود و از زمینداران کوچک کاسته شده و در عوض بر تعداد کسانی که دارای املاک پهناوری بودند افزوده است . ظالم و ستم عمال حکومت و جور صاحبان اراضی زارعین را که طبقه ای قانع به حداقل زندگی بودند ناچار به ترك کار و گریز از خانمان و بارود یار میکرد و همین مسأله توأم با ویرانی و هات همچنان ادامه داشته است .

بطور کلی با اینکه قدرتها پیوسته در تنه پیروتحول بود اما هیچگاه تغییراتی در زندگی کشاورزان و رابطه آنها با مالکین داده نشده و همچنان روستائیان زندگی غیر قابل تحمل خود را ادامه میدادند .

خلاصه در این دوره حتی اقوام فاتح و بیابان گرد هم بادست یافتن به زمینهای

جدید تعاملات فتودالی پیدا کرده و میل به تصاحب املاک و اراضی فراوان و فراوانتر در آنها ظاهر میگشت و بهر حال تمام این تغییرات به بیچارگی زارعین می افزود و زندگی آنان را تیره تر میساخت .

هنوز واقعه شوم و تأثر انگیز قوم مغول به پایان نرسیده بود که تیمور پورشهای خود را به ایران آغاز نمود و ماجرای نفرت انگیز و وحشیگریهای مغول را تکرار نمود که متأسفانه طبق معمول پیش از هر طبقه دیگر مدتها در آنجا متوجه کشاورزان تیره روز بود .

تا ظهور صفویه نیز هیچگونه تغییری اساسی در رابطه بین مالک و زارع پیدا نیامد و مثل گذشته امرای محلی زمینها را در دست داشتند و در این میان زارعین بودند که میبایست روز بروز به صورت مختلف مالیاتهای سنگینتر بپردازند و علاوه بر آن بهیچوجه هم همچنان بقوت خود باقی نبودند . بهره گیری از طبقه کشاورز بهر صورت و در هر شرایطی باشد تا هر چه بیشتر از طرف حکومت با وصول مالیاتهای گوناگون و سنگین وجه از طریق مالکین بصورت بهره های مالکانه همچنان ادامه داشت و در روشهایی که بین مالک و زارع بر سر تقسیم محصول معمول بود مالک همیشه به بدترین وجهی با کشاورز رفتار مینمود و برای کسب بهره و سود بیشتر از زارع و تصاحب حقوق واقعی او به نیرنگهای بیشماری متوسل میگردد .

البته نباید این موضوع را نادیده گرفت که در دوره صفویه رفاه نسبی مادی برای مردم وجود داشته ولی کشاورزان به علت احجافات و زورگوئیهای مأموران حکومت و مالکین از هرگونه رفاه و پیشرفتی در زمینه های اجتماعی محروم بودند .

در دوره افشاریه نیز مسأله مالکیت مثل گذشته تغییری نکرد و اکثر روشهای ناپسند قبلی چون رابطه فط مالک و زارع بهمان شکل ادامه یافت و در هر حال لشکرکشیهای مداوم نادرشاه و مالیاتهای سنگینی که از این طبقه دریافت میشد جزرنج و محنت شمری برای کشاورزان نداشت .

در دوره سلطنت کریم خان زند يك امنیت نسبی در تمام شئون مملکت پدید آمد و با اینکه مسأله کشاورزی و حمایت از روستائیان مورد توجه کریمخان بود معینا هیچگونه تغییر اساسی در بنای زندگی اقتصادی و اجتماعی این طبقه روی نداد و اصول و سنن قدیم همچنان ادامه داشت .

در زمان قاجاریه بهیچ از هر دوره دیگر اوضاع و احوال به وخامت گرائید و جز فقر برای مردم و عدم اعتماد و اطمینان به امور و کارها شمری پدید نیامد و بهریشان روزگارترا هر طبقه ای کشاورزان بودند که پیوسته از آنها مال میگرفتند ، به آنها ستم میکردند و آنها را از این همه ناملاطیات و بدبختیها پامانی نبود .

لشکرکشیهای مداوم و بی درین نیز مشکل دیگری بود که موجب ویرانی و خرابی روستاها و فارت در روند آرزای زمین میگردد .

در این دوره مالکیت منبع پرسود و مایه کسب حیثیت اجتماعی و اقتدار برای مالکین
 شده بود و این امر سبب میشد که روز بروز تعداد این طبقه افزوده گردد. تا
 اینکه پس از مرگ فتحعلیشاه ضعف و سستی در همه شئون مملکت و از جمله کشاورزی
 گسترش یافت بطوریکه دستگاه حکومتی مجبور به فروش زمینهای خالصه شد که
 عده ای نیز از این موقعیت استفاده کرده و باغصب زمینهای زیادی به گروه
 مالکین بزرگ پیوستند. در حقیقت داستان بزرگ مالکی از همین دوره آغاز
 شد و با وجودیکه اهمیت زمین به عنوان ثروت کشورشایان توجه بود معیناً اعاظمین
 تولید و مولدین ثروت یعنی کشاورزان طبقه ای سیه روز و زحمتکش بودند
 در زمان امیرکبیر رونقی نسبی در وضع کشاورزی ایران بوجود آمد و بطور غیر مستقیم
 تا حدودی به رفاه طبقه کشاورز کمک شد ولی متأسفانه با کشته شدن امیرکبیر
 و باره ستم بی پایان مالکان و اخازی مأموران دولت ادامه یافت.
 در زمان مظفالدین شاه در امر کشاورزی اقدام مفید و بزرگی صورت گرفت
 و آن تأسیس اولین مدرسه فلاحتی بود که بنام مدرسه فلاحت مظفری در سال
 ۱۳۱۹ هجری قمری در تهران تأسیس گردید و تقریباً کشاورزی ایران صورت
 دیگری به خود گرفت. در این زمان هم مثل گذشته مسأله بیگاری کشاورزان
 رواج داشت و ستم مالکین وصال حکومت به این طبقه ادامه یافت.
 کشاورز ساده لوح در طی قرون و نسل های متعادی وظیفه این تلاش و کوشش

بمنظور باروری محصول و درووانباشتن محصولات در انبارهای خانها و حال آنها بود و این جریان تا آغاز مشروطیت ادامه داشت . تا این دروفا رها به بهر صورت و در حد اقل ممکنه به سیر کردن شکم رها تا حد و دی توجه داشتند اما متأسفانه از دوره مشروطیت به بعد نه تنها این مسئولیت اخلاقی هم فراموش شد بلکه املاکی که با غارت و چپاول بچنگ مالکین بزرگ درآمد بود با اسناد رسمی جنبه قانونی و مالکیت واقعی پیدا کرد و علاوه چون نمایندگان مجلس کسانى جز مالکین نبودند عموم مصوبات و تصمیمات مجلس بنفع خودشان و نه زیان زارع بود و در ورگی در این دوره کلمه قوانین و مقرراتی که در زمینه کشاورزی وضع میشد صرفاً " بنفع مالک تمام میشد و اصولاً " به مسائل و هقانی و رعایت حقوق اجتماعی و مادی کشاورزان توجهی نبود و این طبقه با سرنوشت سیاه چندین ساله خود کماکان مواجه بودند .

در این دوره رابطه مالک و زارع فقط بمنظور سودی بود که از زارع کسب میشد و در هر حال استثمار بوجه غیر قابل تصویری در سطح روستاها حکمفرما میگرد .
 اعتقاد ارباب بر این بود که چنانچه در صدد بهبود حال رعیت برآید رعایا این امر را حمل بر ضعف ارباب تلقی کرده بهره مالکانه نخواهند برد اخت و آنطور که هدف مالک است فرمانبرداری نخواهند کرد .

از بدبختیهای دیگر این طبقه قرضه عقب ماندگی و بیسوادى و محدودیت بود